



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

نویسنده: پروفیسور دکتور اروهان یازجی  
مترجم: سیلانی

۲۰۲۶/۰۸/۱۷

## بازگشت محمود طرزی به افغانستان

محمود طرزی در ماه مارچ سال ۱۹۰۲، خانواده‌اش را در دمشق گذاشت و به کابل آمد.<sup>41</sup> حبیب‌الله خان که به‌ویژه خواهان بازگشت جوانان تحصیل‌کرده افغان مقیم خارج به کشور بود، از ورود محمود طرزی با خرسندی فراوان استقبال کرد.<sup>42</sup> وی محمود طرزی را به مدت ده ماه نزد خود مهمان نگه داشت و در این مدت، از او درباره پیشرفت‌های ترکیه در عرصه‌های هنر و دانش معلومات به‌دست آورد و ساعت‌ها پیرامون مسایل جهان با او به گفت‌وگو پرداخت. طرزی در نتیجه توجه و علاقه نزدیک امیر حبیب‌الله خان، تصمیم گرفت به‌گونه دایمی در کابل اقامت گزیند. از این‌رو، در سال ۱۹۰۵ خانواده‌اش را نیز از دمشق به کابل آورد و در عمارتی واقع در ده افغانان، شاروالی امروزی سکونت اختیار کرد.<sup>43</sup>

محمود طرزی که نزدیک به بیست سال در قلمرو امپراتوری عثمانی اقامت کرده بود، در مدت کوتاهی نشانه‌های عقب‌ماندگی افغانستان را که از قطع طولانی‌مدت روابط این کشور با جهان خارج ناشی می‌شد، تشخیص داد. از این‌رو، به حبیب‌الله خان خاطرنشان ساخت که در عرصه‌های علم و فن باید از دانش و تجربه ترک‌ها بهره گرفته شود و سرانجام توانست او را در این زمینه قانع سازد. در نهایت، با موافقت حبیب‌الله خان، طرزی نامه‌ای به حسین حسنی بیگ که او را از استانبول می‌شناخت نوشت و از متخصصان امور اداری و فنون نظامی که در مکاتب عثمانی آموزش دیده بودند، دعوت کرد تا برای اجرای برنامه‌های آموزشی و دیگر طرح‌های اصلاحی، به افغانستان بیایند و در این کشور خدمت کنند.<sup>44</sup>

تلاش‌های محمود طرزی در مدت کوتاهی به ثمر نشست. در آن هنگام، هیأتی از روشنفکران عثمانی مقیم مصر، متشکل از محمد فاضل بیگ، چاپگر و استاد فن چاپ؛ حسین حسنی بیگ؛ علی فهمی بیگ؛ داکتر سعدالدین و داد بیگ؛ داکتر منیر عزت بیگ؛ محمد افندی، دواساز؛ و رضا بیگ، ماشین‌کار، به کابل آمدند و برای پیشرفت افغانستان در عرصه‌های علم و فن به کار آغاز کردند.<sup>45</sup> سال‌هایی که طرزی به افغانستان بازگشت، با دوره اوج‌گیری ملی‌گرایی افغان هم‌زمان بود. در این هنگام، جنبش‌های مشروطه‌خواهی که در امپراتوری عثمانی و ایران آغاز شده بودند، و نیز پیروزی جاپان به‌عنوان کشوری کوچک در آسیا بر قدرت بزرگی چون روسیه در سال ۱۹۰۶، به تقویت و گسترش ملی‌گرایی افغان انجامیده بود.<sup>46</sup>

اما مهم‌ترین عامل اوج‌گیری ملی‌گرایی افغان، موافقت‌نامه سن‌پترزبورگ بود که روسیه و بریتانیا در ۳۱ اگست ۱۹۰۷ میان خود امضا کردند. بر بنیاد این موافقت‌نامه، ایران، افغانستان و تبت میان دو قدرت بزرگ به حوزه‌های نفوذ تقسیم شدند و سیاست خارجی افغانستان تحت قیمومیت بریتانیا قرار گرفت.<sup>47</sup>

آگاهی افکار عمومی از پیامدهای این موافقت‌نامه، سبب اوج‌گیری احساسات ضد امپریالیستی، هم در ایران و هم در افغانستان شد.<sup>48</sup> در همین سال‌ها، گروه کوچکی از روشنفکران افغان «جمعیت سرّ ملی» را تأسیس کردند. هدف این جمعیت، از یکسو استقرار نظام مشروطه در افغانستان و پیشگامی در اجرای اصلاحات اجتماعی و سیاسی و از سوی دیگر، رهایی سیاست خارجی کشور از قیمومیت بریتانیا بود. این گروه در سال ۱۹۰۹، برای برانداختن نظام سلطنتی و اعلام مشروطیت دست به اقدام زد، اما فعالیت آن افشا شد و حبیب‌الله خان جمعیت را منحل و اعضای آن را پراکنده ساخت.<sup>49</sup>

با وجود این، جنبش‌های ملی‌گرایانه در افغانستان از میان نرفتند و این گروه پس از سال ۱۹۰۹، با نام «جوانان افغان» بار دیگر سازمان یافت.<sup>50</sup> بیشتر اعضای این گروه را نویسندگان، معلمان و کارمندان دولت تشکیل می‌دادند. جوانان افغان خواستار آن بودند که هر چه زودتر گام‌هایی در مسیر تجدد و نوگرایی برداشته شود و افغانستان استقلال

کامل خود را از بریتانیا به‌دست آورد. یکی از برجسته‌ترین اعضای جوانان افغان، محمود طرزی بود. طرزی از نخستین روز ورودش به کابل، به ترویج اندیشه‌های خود در میان اطرافیان پرداخت و برای آغاز برنامه‌نوسازی و تجدد در کشورش، مبارزه‌ای گسترده را در پیش گرفت.<sup>51</sup>

طرزی با تأکید بر این‌که نظام موجود از پاسخ‌گویی به نیازهای افغانستان ناتوان است، ضرورت برداشتن گام‌های تازه در عرصه‌های معارف، حمل‌ونقل و اقتصاد را مطرح می‌کرد. وی با جلب توجه به پیامدهای زیان‌بار انزوای فرهنگی و فکری افغانستان از جهان خارج طی سالیان طولانی، استدلال می‌کرد که تداوم این رکود، از لحاظ سیاسی نیز نتایج مطلوبی در پی نخواهد داشت. طرزی که با اندیشه‌های خود در مدت کوتاهی طیف گسترده‌ای از هواداران و همفکران را پیرامون خویش گرد آورده بود، همزمان در دارالترجمه دربار نیز مقرر شد و وظیفه یافت تا امیر را از رویدادهای جاری اروپا و جهان اسلام آگاه سازد.<sup>52</sup>

با گماشته‌شدن محمود طرزی در دارالترجمه دربار، روابط نزدیک او با اعضای خاندان سلطنتی بیش از پیش گسترش یافت. وی نخست دختر بزرگش، خیریه، را به عقد عنایت‌الله خان، پسر بزرگ امیر حبیب‌الله خان، درآورد و مدتی بعد، دختر کوچک‌ترش ثریا، را به همسری امان‌الله خان، دیگر پسر امیر داد.<sup>53</sup> بدین‌ترتیب، طرزی در پرتو پیوندهای خویشاوندی فزاینده با حبیب‌الله خان، این امکان را یافت تا از آن پس اندیشه‌های خود را در سطوح حکومتی با آزادی و سهولت بیشتری مطرح سازد.

نوت: پایان بخش دوم. دوام دارد